



مطالعه مصادیق ارکان اصلی قدرت (قدرت سیاسی، اقتصادی و مذهبی) در مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی
(مطالعه موردی؛ گنبد سلطانیه)

فرزاد فیضی (نویسنده مسئول)، سارا صادقی

دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷

چکیده

هر یک از روش‌شناسی‌های مختلف در مطالعه هنر و معماری دوران اسلامی، با محوریت قرار دادن برخی مؤلفه‌ها، به مطالعه آثار و داده‌های باقی‌مانده از دوران گذشته پرداخته و با توجه به رویکردها و مبانی نظری متفاوت، نتایج ناهمگون و بعضاً ضدونقیضی حاصل کرده‌اند. سنت‌گرایی، تاریخی‌نگری، پدیدارشناسی و هرمنوتیک از جمله این دیدگاه‌ها و روش‌ها هستند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی رابطه‌ی گفتگویی بین مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی با مطالعه موردی ارگ و گنبد سلطانیه و ارکان اصلی قدرت بوده و در این راه از مبانی تاریخی‌نگری و جامعه‌شناسی هنر استفاده خواهد شد. روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و نوع کیفی و تاریخی می‌باشد و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی گردآوری شده است. نتایج نشانگر پیوند ارکان اصلی قدرت (قدرت سیاسی، اقتصادی و مذهبی) در مهم‌ترین بنای مذهبی و شاهانه‌ی باقی‌مانده از عهد ایلخانی می‌باشد. سازمان‌دهی بناهایی از قبیل مساجد جامع و خانقاه، دیوان حکومتی، بازارها و راه‌های تجاری در یک مجموعه معماری، بازتاب ارکان قدرت‌ساز و مشروعیت‌بخش در معماری و شهرسازی اواخر عهد ایلخانی است.

واژگان کلیدی: معماری ایلخانی، ارکان اصلی قدرت، گنبد سلطانیه، تاریخی‌نگری



مقدمه و بیان مسئله

روش‌شناسی مطالعه‌ی هنر در دوران اسلامی به‌طور کلی به دو دسته‌ی تاریخی و فراتاریخی تقسیم می‌شود (موسوی گیلانی، ۱۳۹۵: ۶۳ - ۹۳). تاریخی‌نگرها مانند ایروین، اتینگهاوزن، گرابار و آندره گدار به جای تأکید انحصاری بر اعتقادات دینی بر عوامل مختلفی از قبیل جغرافیا، فرهنگ، سیاست و تأثیر از هنر تمدن‌های دیگر اصرار می‌ورزند (ایروین، ۱۳۸۹: ۹۰؛ هاورز، ۱۳۸۲: ۱۴۹) و معتقدند هنر در سرزمین‌های مختلف در اشکال گوناگون و متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اقلیمی آن منطقه شکل گرفته است (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۹۱ - ۹۲). در مقابل پیروان مکتب فراتاریخی از قبیل «سنت‌گرایی»^۱ بر حقایق فرازمانی و فرامکانی اسلام تأکید کرده (سلمانی و چتر بحر، ۱۳۹۵: ۱۷۷) و آثار هنری را بازتاب این حقایق تلقی می‌کنند (نصر، ۱۳۸۳: ۱۱۶؛ شووان، ۱۳۷۶: ۸۹ - ۱۲۷). بورکهاث و سید حسن نصر از جمله ایشان هستند. امروزه در مطالعات تاریخی و هنر دوره‌های مختلف تقریباً ثابت شده است که حوزه‌های مختلف تاریخی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مستقل از هم نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل از هم جدا کرد و هر برخورد یک‌سونگرانه با گذشته هنر سرزمین‌های مختلف، نتیجه‌ای ناقص حاصل خواهد کرد (موسوی، ۱۳۹۶: ۲۲۹ - ۲۳۱). بازتاب جریانات و حوادث دوره‌های مختلف تاریخی در هنرهای آن دوره و ارتباط متقابل گونه‌ها و سبک‌های هنری با رویدادهای جامعه‌ی معاصر خلق اثر در بین اکثر پژوهشگران تاریخ و جامعه‌شناسی هنر امری پذیرفته‌شده است. بر این اساس آثار هنری همانند آینه‌ای اتفاقات جامعه را در خود منعکس می‌کنند (راوودراد، ۱۳۸۶: ۷۵). هدف پژوهش حاضر مطالعه و تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار معماری دوره ایلخانی است. آثار معماری این دوره معمولاً از منظر گونه‌شناسی و بررسی‌های فنی مدنظر محققین بوده و یا در بررسی‌های معناشناسی با پیروی از رویکردهای سنت‌گرایی و عرفانی، نتایجی یک‌جانبه از مفاهیم بناهای سترگ و شاهانه به دست آورده‌اند. نگارندگان برای تبیین بهتر موضوع و درک مقوله ارتباط ارکان اصلی قدرت شامل قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و قدرت اقتصادی با آثار معماری و شهرسازی دوره ایلخانی و نحوه‌ی بازتاب این ارکان در عناصر ساختمانی بناها و سازمان‌های فضایی آن‌ها، ارگ و گنبد سلطانیه را به عنوان نمونه موردی انتخاب جهت مطالعه انتخاب کرده‌اند. نویسنده به دنبال پاسخ به سوالات زیر می‌باشند: ۱. مصادیق ارکان اصلی قدرت به چه صورت در ارگ و گنبد سلطانیه تبلور یافته است؟ ۲. سازمان فضایی ارگ و گنبد سلطانیه به چه صورت با فرایندهای مشروعیت اواخر دوره ایلخانی قابل بررسی است؟ به اعتقاد نگارنده مطالعه نقش‌های غیر ساختمانی بناها با اتکا بر نظریات جامعه‌شناسی هنر به‌صورت اعم و آثار معماری ایلخانی (به ویژه بنای سترگ سلطانیه) به‌صورت اخص، زوایای جدیدی از گفتمان و بده‌بستان مفهومی بین این آثار شاهانه و عناصر قدرت‌ساز در جامعه را آشکار خواهد کرد.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی و انتقادی و سپس با به‌کارگیری اصول تاریخی‌نگری، به دنبال مطالعه مصادیق ارکان اصلی قدرت در ارگ و گنبد سلطانیه است.

پیشینه پژوهش

اکثر تحقیقات انجام‌شده در مورد ارگ و گنبد سلطانیه به معماری و سازه‌ی گنبد (ویلبر، ۱۳۶۵؛ ثبوتی، ۱۳۶۹) و معرفی و گونه‌شناسی آرایه‌ها و تزئینات مختلف گچی و آجرکاری آن اختصاص یافته و به جز در برخی موارد در نتیجه‌گیری‌های خود غالباً پیرو روش‌شناسی‌های فراتاریخی بوده‌اند (شکفته و صالحی کاخکی، ۱۳۹۳؛ حمزه‌لو، ۱۳۸۱؛ گدار، ۱۳۸۷). برخی هم مستقیماً با گزینش



دیدگاه عرفانی تأثیر عرفان بر معماری و تزئینات گنبد سلطانیه را مورد بررسی قرار داده (سیاکوهیان، ۱۳۹۱) و یا با اتکا بر جایگاه نمادین رنگ‌ها، فرم‌ها و اعداد در اندیشه اسلامی سعی در تطبیق این مفاهیم با تزئینات گنبد سلطانیه داشته‌اند (اکبریان، ۱۳۹۳).

مبانی نظری؛ گفتمان قدرت و هنر

سه رویکرد اصلی در مطالعه جامعه‌شناسی معرفت وجود دارد که مطابق با آن، سه رویکرد نسبت به هنر نیز می‌توان تشخیص داد. این رویکردها شامل رویکرد فلسفی، رویکرد جامعه‌شناختی و رویکرد فلسفی - جامعه‌شناختی به معرفت می‌باشد (Tavakol, 1987: 20). اولین رویکرد، مبانی وجودشناسی برای معرفت قائل است و هرگونه ارتباط بین علیت اجتماعی و معرفت‌ها را رد می‌کند (توسلی، ۱۳۹۱: ۵۹). این رویکرد به دلیل عدم قبول هرگونه رابطه بین آثار هنری و شرایط اجتماعی هم‌زمان آن‌ها، فاقد بعد جامعه‌شناختی است. رویکرد دوم ریشه در دیدگاه‌های ماتریالیسم و پراگماتیسم دارد و شامل جامعه‌شناسانی می‌شود که معتقدند جامعه همچون علیت اجتماعی، برای معارف عمل می‌کند و تمامی این معرفت‌ها تا حدود زیادی در شرایط ویژه اجتماعی و برای آن جامعه است که ایجاد می‌شوند (Tavakol, 1987: 61). در حوزه جامعه‌شناسی هنر، بیشتر جامعه‌شناسان در رویکرد دوم قرار می‌گیرند و نویسندگان پژوهش حاضر نیز از مبانی پژوهشی ایشان بهره خواهند جست. در این رویکرد، برای درک آثار هنری، باید اوضاع اقتصادی و اجتماعی را که اثر هنری در آن خلق شده، بشناسیم. جایگاه اجتماعی هنرمند به همراه وضعیت جامعه نقش بسیاری مهمی در خلق و چگونگی اثر هنری دارد. در این رویکرد هنرها مانند آینه‌ای اوضاع زمانه‌ی خود را بازتاب می‌دهند. طبق این رویکرد سبک‌ها و مضامین هنری، در ارتباط با تأثیرات شرایط اجتماعی مختلف بر هنر به وجود آمده‌اند (Hauser, 1982). رویکرد سوم متأثر از رویکرد معرفتی ماکس شلر^{۱۲} است. او اگرچه به وجود و غایت پرداخته، اساساً بر خود معرفت تأکید کرده و سعی دارد نظریه عینی در زمینه خود معرفت ارائه بدهد. از نظر وی هیچ یک از موارد جامعه یا معرفت، علت دیگری نیستند، بلکه معرفت به صورت ذاتی و ناب موجود است. (Tavakol, 1987: 35). نظریه شلر مخالف تاریخ‌گرایی و نسبی‌گرایی است (Scheler, 1980: 25 – 30).

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دو حالت را برای بررسی روابط متقابل بین جامعه و اثر هنری در نظر گرفت. الف: رویکرد شکل‌دهی^{۱۳}: این روند تأثیراتی که هنر بر جامعه می‌گذارد را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. از نظر پیروان این رویکرد آثار هنری می‌تواند به ارزش‌های اجتماعی شکل دهد و افکاری جدید در اذهان مردم ایجاد کند (Alexander, 2003: 35). ب: رویکرد بازتاب^{۱۴}: امروزه ارتباط متقابل بین شیوه‌ها و سبک‌های هنری با جامعه و جریان‌ات معاصر خلق اثر در میان اغلب صاحب‌نظران این حوزه امری پذیرفته شده است. بر این اساس آثار هنری همانند آینه‌ای اتفاقات جامعه را در خود منعکس می‌کنند و در اغلب موارد واقعیات را به صورت نمادین و رمزگونه بیان می‌دارند (راوودراد، ۱۳۸۶: ۷۵). طبق رویکرد بازتاب، محتوای اثر هنری با ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و ... هر دوره رابطه‌ی مستقیم دارد (دوونینو، ۱۳۹۹: ۷۵). در این رویکرد هنرها به صورت آشکار یا غیرمستقیم بیانگر مفاهیم و جریان‌ات مختلف دوره‌ی تاریخی‌ای هستند که در آن شکل گرفته و توسعه یافته‌اند (Alexander, 2003: 21). نگارندگان با نظر به اینکه در دوره‌های تاریخی و سده‌های گذشته همانند معماری ایلخانی، حمایت و دستور سلاطین و درباریان نحوه و چگونگی خلق آثار، به ویژه آثار شاهانه را مشخص می‌کرده است، به تحلیل گفتمان قدرت و هنر در آثار مزبور پرداخته و نحوه بازتاب و نمود مشروعیت-طلبی خوانین مغول در آثار مادی را مورد کنکاش قرار خواهند داد.

¹² Max Scheler

¹³ Shaping Approach

¹⁴ Reflection Approach



معرفی کلی گنبد سلطانیه

برخورداری از آب و هوای استپی (ثبوتی، ۱۳۶۹: ۳۰)، امکان بالقوه برای دسترسی به راه‌های مواصلاتی (نوربخش، ۱۳۶۴: ۹۲) و نزدیکی به عراق عجم (بیانی، ۱۳۹۷: ۴۵۸) را از دلایل احداث شهر سلطانیه و انتخاب به عنوان پایتختی ذکر کرده‌اند. طبق گفته‌ی میرخواند، ابتدا ارغون خان قصد داشته در مرغزار شرویاز (سلطانیه) شهری بنا سازد ولی در آغاز کار از دنیا رفت (میرخواند، ۱۳۸۰، جلد ۵: ۴۱۶۸). در بهار ۷۰۴ ه.ق الجایتو، عمارتی را که در مکانی به نام قنقرآلنگ، پدر او بنیان نهاده و اکنون ناتمام بود، تمام کرد و آن را سلطانیه نامید. (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۵۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹). طرح کلی شهر شامل بناهای متعدد مذهبی و غیرمذهبی مانند مسجد، مدرسه، بازار، کاروانسرا، کاخ، بیمارستان (دارالشفا)، خانه‌های مسکونی و برج و بارو بود که در حصار مربع شکل قرار داشتند. (کیانی، ۱۳۸۹: ۷۲). خود گنبد سلطانیه که از سال ۷۰۴ تا ۷۱۳ ه.ق در زمان اولجایتو تکمیل شد (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۶: ۶۰۷؛ حمزه-لو، ۱۳۸۱: ۶۰)، به صورت هشت ضلعی ساخته شده، دارای هشت مناره و متشکل از سه بخش گنبدخانه، تربت‌خانه و سردابه است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۶ - ۲۹). جزئیات فنی به کاررفته در مجموعه‌های معماری تبریز در گنبد سلطانیه به اوج ترقی خود رسیده (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۵۴) و تزئینات گچ‌بری، کاشی کاری و نقاشی تقریباً در تمامی قسمت‌های بنا وجود دارد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۷ - ۲۸).

نحوه روابط ارکان اصلی قدرت با مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی

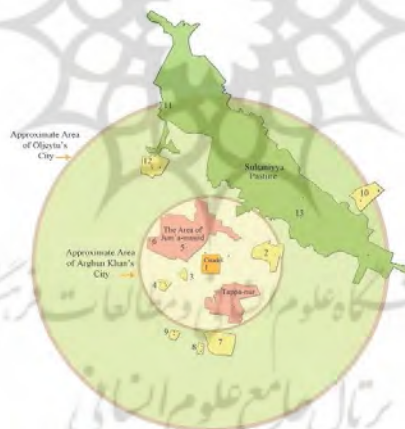
اگر قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و قدرت اقتصادی را به‌عنوان اصلی‌ترین ارکان سازمان دهنده حکومت‌ها در نظر بگیریم، شاهد پیوند مقوله‌های زیر در شهرها و مجموعه‌های معماری زمان ایلخانی خواهیم بود. از مصادیق پیوند دین با سیاست در مجموعه وقفی شنب‌غازان می‌توان به نظام وقف (امری مذهبی) و حمایت دولت از آن (امری سیاسی) اشاره کرد (کریمیان و مهدی زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۵ - ۱۶۵). در اینجا قرار گرفتن عناصر ۱۲ گانه شنب چون مسجد جامع، مدارس با مذاهب شافعی و حنفی، بیت‌القانون و ... به عنوان نظام‌های نشانه‌ای و قرار گرفتن آرامگاه سلطان در مرکز به عنوان مهم‌ترین نظام، مصادیقی از پیوند قدرت سیاسی و مذهب بوده که غازان خان با نهایت تدبیر سعی در به انحصار درآوردن آن‌ها در دستگاه دولت و شخص خود داشت. ربع رشیدی نمونه‌ی بارزی از پیوند وقف به عنوان امری مذهبی و شهرسازی است. این مجموعه با جمع‌آوری دانشمندان و امکانات علمی و آموزشی در ربع رشیدی به نماد و مظهری از پایگاه علمی امپراتوری تبدیل می‌شود و در نشانگی عنصر مذهب و فرهنگ از شنب‌غازان پیشی می‌گیرد. ارگ علیشاه بین سال‌های ۷۱۶ تا ۷۲۴ ه.ق به وسیله تاج‌الدین علیشاه وزیر اولجایتو و ابوسعید بهادرخان ساخته شد (خیری و صدرایی، ۱۳۸۱: ۲۵ - ۲۹). شکوه زیاد مجموعه قطعاً به این دلیل بوده که در مرکز شهر و در مجاورت راسته اصلی بازار و مسجد جامع شهر ساخته شده و در معرض دید عموم و در بطن تحركات اجتماعی و اقتصادی شهر بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۳۳). در واقع تاج‌الدین علیشاه با متمرکز کردن و هم‌نشینی عناصر اصلی؛ مسجد و خانقاه (قدرت مذهبی)، بناهای حکومتی و کاخ‌ها (قدرت سیاسی) و بازارها (قدرت اقتصادی) در ارگ علیشاه سعی در کم‌رنگ کردن عملکرد درخشان خواجه رشیدالدین و کسب مقبولیت و مشروعیت در نزد سلطان و مردم را داشته است که با مرگ وی اقدامات او نیز ناتمام باقی ماند. مجاورت مصادیق قدرت سیاسی با قدرت مذهبی و اقتصادی در خود ارگ علیشاه به صورت کامل اتفاق نیفتاده، بلکه با مصادیقی در سطح بزرگ‌تر و شهر تبریز هم‌نشین شده و کلیت ساختار قدرت را نمایش داده است؛ بدین صورت که ارگ علیشاه با تأسیس در مجاورت مسجد جامع و راسته‌ی اصلی بازار شهر وارد این رابطه‌ی معنایی شده است (فیضی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۷ - ۱۰۸). هرچند خود مجموعه ارگ علیشاه نیز در سطحی خردتر از بخش‌هایی نظیر



مسجد، مدرسه و احتمالاً بازار تشکیل یافته بوده است، اما پیوند واقعی ارکان سازمان دهنده‌ی حکومت به معنی واقعی در ارگ سلطانیه رخ داده است.

یافته‌ها؛ مطالعه مصادیق ارکان اصلی قدرت (سیاسی، اقتصادی و مذهبی) در ارگ و گنبد سلطانیه

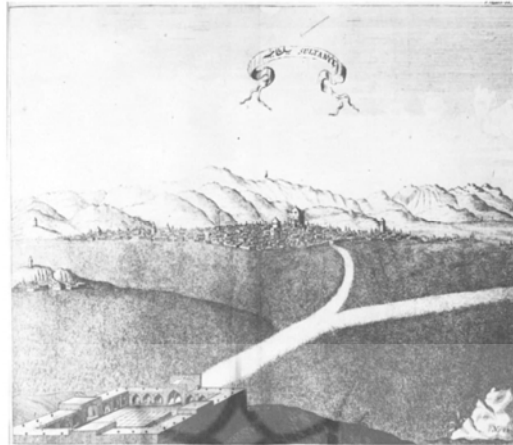
پس از احداث سلطانیه در سال ۷۰۴ ه.ق (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۵۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹)، این شهر به سرعت راه‌های تجاری را به سوی خود جلب کرد و به عنوان مرکزیت حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت (رضوی، ۱۳۹۰: ۱۷۸). موقعیت صنعتی و تجاری شهر از توصیفات تاریخ و صاف در مورد کارخانه فردوس، مدرسه غیائیه، قصرهای بزرگان، خانقاه چلبی اوغلو، محلات پرجمعیت و ... مشخص می‌شود (وصاف، ۱۳۳۸: ۴۴ - ۵۴۳). بررسی‌های باستان‌شناسی در منطقه خرمدره و ابهر ۵۹ محوطه‌ی ایلخانی را شناسایی کرده که نشان از گسترش فضاها‌ی شهری و استقرارهای حومه‌ای در حریم شهر سلطانیه دارد (عالی، ۱۳۸۴). ارگ سلطنتی، محلات شهری و بخش‌های اداری در اطراف گنبد در کاوش‌های باستان‌شناسی مشخص شده است (ثبوتی، ۱۳۶۹: ۹۷). مدارس شیعی سلطانیه شهرت خاصی داشته است؛ به طوری که علامه حلی با دعوت سلطان اولجایتو در سلطانیه حضور یافت و با حضور وی مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی مختلفی بین علمای فرقه‌های مذهبی در حضور سلطان مخصوصاً در مدرسه غیائیه سلطانیه برگزار گردید (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰ - ۱۰۸). سلطان اولجایتو و نظریه‌پردازان این عصر با تأسیس مدارس شیعی، خانقاه چلبی اوغلو، تزئین گنبد سلطانیه با اسامی ائمه شیعه و ... سعی در رقابت با شهرهای عراق از قبیل حله، نجف و ... در تصاحب مرکزیت و نشانگی ۵ عنصر شیعی کرده و تلاش برای انتقال مقابر امامان شیعه به سلطانیه در این راستا بوده است (شکل ۱).



شکل شماره ۱: منطقه سلطانیه در زمان ارغون خان و اولجایتو (۱. مقبره اولجایتو، ۲. محل فنجان آباد، ۳. اراضی میدان، ۴. مقبره و خانقاه شیخ براق، ۵. قبرستان، ۶. حرم امامزاده عبدالله، ۷. بقایای کوره‌ها، ۸. مقبره ملاحسن کاشی، ۹. قوشخانه، ۱۰. کاروان‌سرا، ۱۱. اوج تپه، ۱۲. تپه قلعه، ۱۳. دشت مصطفی خان) (منبع: Hatf Naiemi, 2020: 16)

همان‌گونه که گفته شد، ربع رشیدی مصداق پیوند سیاست و مذهب و ربع رشیدی به تنهایی نماد عنصر مذهب بوهاند؛ اما همه ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در زمان سلطان اولجایتو و در مجموعه‌های معماری ارگ سلطانیه و عیشاه هم‌نشین شده‌اند و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند. با این اوصاف سلطانیه تمامی عناصر نشانه‌ای و مصادیق ارکان اصلی حکومت اعم از قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی را دارا می‌باشد. ایجاد مدارس با اهداف تبلیغ مذهب شیعه و حضور علامه حلی، علاوه بر ترویج این مذهب، تبلیغ حاکمیت توسط دولتمردان نیز محسوب می‌شود که با تأسیس چلبی اوغلو این پیوند به

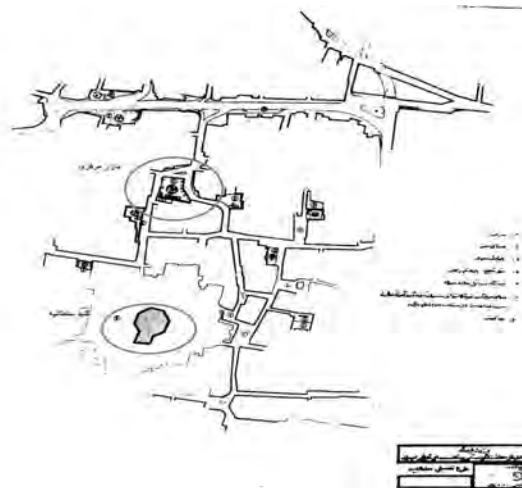
اوج خود می‌رسد. با تغییر مسیر شاهراه‌های تجاری، اولجایتو سه رکن اصلی حکومت (قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی) در تحقیق حاضر را در شهر جدید خود متمرکز می‌کند و موقعیت و جایگاه شهر تبریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نوعی با تعمیر و تغییر مسیر شاهراه‌ها و به موازات حمل و نقل کالاها در مسیرهای تجاری، مفاهیم مزبور نیز در حال سیر و جریان بودند (شکل ۲).



شکل شماره ۲: طرح شاردن از سلطانیه و راه‌های منتهی به آن (منبع: Chardin, 1686)

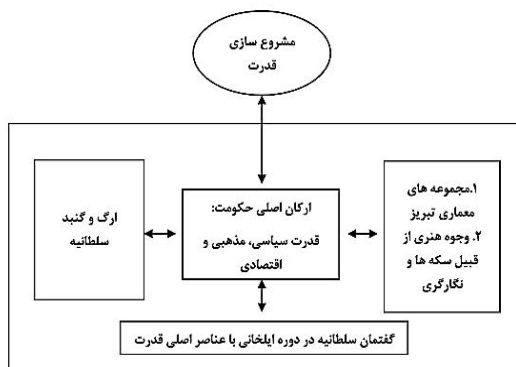
معمولاً ابعاد مختلف مشروعیت قدرت چندین مرحله در نظر گرفته می‌شود. دیوید بیتام با در نظر داشتن مراحل فوق، به‌ویژه تقسیم‌بندی ماکس وبر از قدرت، سه بعد و مرحله برای مشروعیت قدرت قائل می‌شود که در اکثر جوامع و حکومت‌ها ظهور کرده است؛ ۱. سازگاری و انطباق با قواعد مستقر. ۲. توجیه قواعد از طریق مراجعه به باورهای مشترک فرادست و فرودست. ۳. بروز شواهد و مدارک از رضایت تابعان (بیتام، ۱۳۹۰: ۳۱ - ۳۵). با بررسی مدارک و داده‌های باقی‌مانده از دوره ایلخانی از قبیل سکه‌ها و معماری متوجه تطبیق کامل مفاهیم آن‌ها با تقسیم‌بندی فوق می‌شویم (فیضی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶). در زمینه معماری می‌توان بازسازی‌های خوشان (قوچان) توسط هلاکو (جونی، ۱۳۷۰: ج ۳: ۱۰۵) و تجدید بناها و سیستم‌های آبرسانی بغداد (لین، ۱۳۹۰: ۲۸۹) را نمونه‌هایی از تلاش‌ها در جهت انطباق با قواعد مستقر در ایران - سطح اول مشروعیت - دانست. ساخت معابد مختلف بودائی و کلیساهای مسیحی در کنار مساجد اسلامی (صفا، ۱۳۵۵، ج ۳: ۱۱۰؛ اشپولر، ۱۳۹۷: ۱۸۷) در دوران قبل از مسلمانی غازان مصادیق ضعف مشروعیت و فقدان اعتقادات مشترک طی سطح دوم مشروعیت قدرت و شروع ساخت‌وسازهای مجموعه‌های معماری با حمایت نظام وقف از جمله شنب‌غازان، ربع رشیدی، ارگ علیشاه و مجموعه سلطانیه، سومین و آخرین سطح از مشروعیت قدرت خوانین مغولی را در ایران در نظر گرفت. در مرحله آخر نه صرفاً مشروعیت در سطح ایران بلکه در سطحی بزرگ‌تر و مشروعیت در جهان اسلام مدنظر بوده است. می‌توان گفت در این مرحله مجموعه‌های معماری و به‌طور خاص گنبد سلطانیه کارکردهای چندگانه‌ای داشته که مهم‌ترین آن بهره‌برداری نهاد سیاسی به منظور نمایش قدرت و مشروعیت در بین سایر ملل مسلمان و دولت‌های اروپایی در شهر تجاری و سوق‌الجیشی سلطانیه بوده است.

با کمک تصاویر زیر همنشینی مصادیق ارکان اصلی حکومت یعنی گنبد سلطانیه با نمادها و مضامین شیعی، خانقاه چلبی اوغلو به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های عرفان در دوره ایلخانی، ارگ شاهی، مسجد جامع، بازار و راه‌های تجاری داخلی و خارجی (شکل ۳ و ۴) که با تغییر مسیرهای صورت گرفته در این زمان به شهر سلطانیه و مرکز آن ختم می‌شوند، قابل بازنمایی می‌باشد.



شکل شماره ۳: مینیاتور ارگ شهر سلطانیه اثر مطراچی، دوره صفوی؛ بخش‌ها: ۱: گنبد سلطانیه - ۲: بقعه چلبی اوغلو - ۳: مسجد جامع - ۴: بازارها؟ - ۵: ارگ (سمت چپ) (منبع: موزه‌ی توپقاپی سرای استانبول، بخش‌های تأکید شده از نگارنده می‌باشد). شکل شماره ۴: راه‌های منتهی به مرکز شهر سلطانیه از اقصا نقاط امپراتوری (سمت راست) (منبع: مهریار و همکاران، ۱۳۶۴: ۲۶)

همان‌گونه که آمد نظر به ارکان اصلی حکومت شامل قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی، شنب‌غازان مصداق پیوند سیاست و مذهب و ریع رشیدی به‌تنهایی نماد و بازتاب عنصر مذهب خواهند بود؛ اما همه ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در زمان سلطان اولجایتو و در مجموعه‌های معماری ارگ سلطانیه و عیشاه هم‌نشین شده‌اند و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند. با این اوصاف سلطانیه تمامی مصادیق ارکان اصلی حکومت اعم از قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی را دارا می‌باشد. ایجاد مدارس با اهداف تبلیغ مذهب شیعه و حضور علامه حلی، علاوه بر ترویج این مذهب، تبلیغ حاکمیت توسط دولتمردان نیز محسوب می‌شود که با تأسیس چلبی‌اوغلو این پیوند به اوج خود می‌رسد. با تغییر مسیر شاهراه‌های تجاری، اولجایتو سه رکن اصلی حکومت (قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی) در پژوهش حاضر را در شهر جدید خود متمرکز می‌کند و موقعیت و جایگاه شهر تبریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌نوعی با تعمیر و تغییر مسیر شاهراه‌ها و به‌موازات حمل‌ونقل کالاها در مسیرهای تجاری، نیروها و عناصر مزبور نیز در حال سیر و جریان بودند که در بلندمدت باعث شده شهر سلطانیه مصداقی از پیوندهای ارکان اصلی قدرت شود. در مرحله آخر نه صرفاً مشروعیت در سطح ایران بلکه در سطحی بزرگ‌تر و مشروعیت در جهان اسلام مدنظر بوده است. می‌توان گفت در این مرحله مجموعه‌های معماری و به‌طور خاص گنبد سلطانیه کارکردهای چندگانه‌ای داشته که مهم‌ترین آن بهره‌برداری نهاد سیاسی به‌منظور نمایش قدرت و مشروعیت در بین سایر ملل مسلمان و دولت‌های اروپایی در شهر تجاری و سوق‌الجیشی سلطانیه بوده است. در نمودار زیر نحوه ارتباط گنبد سلطانیه با سایر بناها و آثار هنری ایلخانی و ارتباطش با عناصر قدرت‌ساز در سطح بین‌المللی نشان داده شده است. (نمودار ۱).



نمودار ۱: نحوه ارتباط گنبد سلطانیه و آثار هم دوره آن با عناصر قدرت ساز و انعکاس مشروعیت بین المللی ایلخانان در گنبد (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

برای جمع بندی بحث های صورت گرفته، نحوه بازتاب ارکان اصلی قدرت در آثار معماری مورد مطالعه و چگونگی تقسیم بندی و ظهور سطوح مختلف مشروعیت در این آثار به صورت خلاصه آمده است (جدول ۱).

جدول ۱: نحوه تقسیم بندی و ظهور سطوح مختلف در آثار معماری خوانین مختلف ایلخانی (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

مشروع سازی قدرت	مصادیق ارکان قدرت	آثار معماری	دوره
سطح اول مشروع سازی قدرت: بازتاب تلاش های خوانین برای سازگاری با قوانین اسلامی ملت مغلوب	رکن مذهبی و علمی، مظاہری از اندیشه سیاسی و جهان بینی جدید	شهر و رصدخانه مراغه، بازسازی های بغداد، خبوشان و سایر شهرها	هلاکو خان تا آباخان
سطح دوم مشروع سازی قدرت: بازتاب بروز اختلافات میان قواعد و باورهای قدرت و ملت تابع و قرار گرفتن در آستانه ی فروپاشی	تضاد آرا و عقاید و عدم وجود مصادیق قدرت در آثار معماری	ساخت ارغونیه، شروع ساخت بناهای مربوط به تمامی مذاهب و فرق در نقاط مختلف	ارغون خان تا گیخاتو
سطح سوم مشروع سازی قدرت: مشروعیت بازتابی از همگرایی مردم تابع و رضایت بین دولت و ملت	همنشینی مصادیق اصلی قدرت در مجموعه بناها و شهرهای این دوره: شنب غازان (مصدق پیوند ارکان قدرت سیاسی و مذهبی)، ریع رشیدی	ایجاد شهرها و شهرک های جدید از جمله شنب غازان، ریع رشیدی، ارگ	غازان خان تا ابوسعید



	(مصادیق رکن مذهبی و اندیشه سیاسی اسلامی)، ارگ عیاشاه (مصادیق پیوند قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی)، گنبد سلطانیه (مصادیق پیوند قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی در سطح بین‌المللی)	علیشاه و گنبد سلطانیه	
--	--	-----------------------	--

همان‌گونه که دیده می‌شود کاربرد روش تاریخی‌نگری در معماری تاریخی نسبت به روش‌شناسی سنت‌گرایی پارادایم‌های گسترده‌تری را در مطالعه‌ی گنبد سلطانیه درگیر نموده و معانی مستتر و ضمنی را با کاربست مکانیزم‌های خاص خود استخراج می‌نماید. در معانی ضمنی پس از گذر از معانی ابتدایی، معناهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اثر را مطمح نظر قرار داده‌ایم. ذکر این نکته نیز ضروری است که معانی بناهای مختلف بسته به بافت موقعیتی، دوره زمانی، کارکرد و ... در تاریخی‌نگری ممکن است دستخوش تغییر و تحولات زیادی شود. از همین رو قطعاً مفاهیم مختلف در مطالعه‌ی گنبد سلطانیه به عنوان بنایی شاهانه با مسجدی که حامی و بانی شخصی و نیت خیرخواهانه داشته متفاوت خواهد بود و به تبع معانی مستخرج شده نیز تفاوت خواهد داشت. در جدول زیر مطالعه مصادیق ارکان قدرت‌ساز و مشروعیت بخش در ارگ و گنبد سلطانیه به صورت خلاصه آمده است.

جدول شماره ۲: مصادیق ارکان اصلی قدرت در ارگ و گنبد سلطانیه (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

معانی ضمنی تاریخی‌نگری	نمودهای معانی در سلطانیه	نقد روش سنت‌گرایی
- پیوند و هم‌نشینی عناصر اصلی حکومت شامل قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی در ارگ و گنبد سلطانیه - نمودهایی از عرف‌گرایی	- ساخت کاخ و ارگ سلطنتی در مجاورت مقبره (قدرت سیاسی) - ایجاد مدارس شیعی و خانقاه با تدریس بزرگان دینی چون علامه حلی (قدرت مذهبی) - ایجاد بازاری بزرگ در ارگ و تغییر مسیر راه‌های بزرگ تجاری به سمت سلطانیه (قدرت اقتصادی) - تأثیر تمایلات مرکز‌گرایی در انتخاب محل ساخت سلطانیه و استحاله باورهای شمنی و سنن قبلی در تصوف قرن ۷ ه.ق با تکیه بر مستندات تاریخی (عرف‌گرایی) - تلاش خوانین برای مشروعیت حکومت در سطح جهان اسلام (بعد از مسلمانی، خوانین در سطح ایران)	- عدم توجه به حقایق فرازمانی و فرامکانی - عدم توجه به ارتباط علوم و معنویت - اتکای بیش‌ازحد بر منابع و داده‌های تاریخی و مادی - عدم توجه به نماد در معنی صورت و معنا در عالم

معانی ضمنی تاریخی نگری	نمودهای معانی در سلطانیه	نقد روش سنت گرایی
<p>- گفتمان ارکان اصلی قدرت و هنر در گنبد سلطانیه</p>	<p>از مشروعیت برخوردار بودند) و در نتیجه استفاده از منظرسازی در ارگ و گنبد سلطانیه با هدف مشروع- سازی قدرت و کسب اقتدار با تلاش وزرای ایرانی (امرسالاری)</p> <p>- تشکیل روابط بینامتنی با سایر آثار معماری از جمله ارگ علیشاه و اشتراکات معانی بین این دو (تبدیل به نشانگی)</p> <p>- دیوارهای سترگ و مناره‌های بلند مقبره، باغ و بوستان و فضای سبز اطراف، کاخ، بازار، مدرسه غیاثیه و خانقاه‌ها مصداق هم‌نشینی عناصر حکومت- ساز و گفتمان قدرت و هنر</p>	

نتیجه گیری

سنت‌گرایان با تأکید بر حقایق فراتاریخی و عرفانی و تعمیم مفاهیم کلی دینی بر مجموعه‌ای معماری، عناصر مختلف به کاررفته در گنبد سلطانیه را مصداق عالم قدس، اتحاد شریعت، طریقت و حقیقت، حامل مفاهیم ولایت، حاوی مفاهیم مرتبط با تصوف و عرفان و باغ‌ها و بوستان‌های اطراف گنبد را تداعی‌بخش بهشت قلمداد کرده‌اند. مطالعه‌ی عناصر مختلف معماری و تزئینات ارگ و گنبد سلطانیه به روش تاریخی‌نگری نشان می‌دهد در مطالعه‌ی مجموعه سلطانیه، پارادایم‌های گسترده‌تری درگیر شده و بدین ترتیب معانی ضمنی‌تری آشکار می‌گردد. طبق این روش مطالعه گنبد سلطانیه بدون در نظر گرفتن بافت‌های (زمانی، مکانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) مختلف آن امکان‌پذیر نبوده و نتایج بدست آمده از طریق روش‌شناسی سنت‌گرایی تمامی جوانب را پیرامون گنبد سلطانیه آشکار نمی‌کند. کاربست این رویکرد در پژوهش حاضر و نمونه مورد مطالعه نشان داد قسمت‌های مختلف سلطانیه از لایه‌های دلالتی متعددی برخوردار بوده و از سازمان درونی و بیرونی تشکیل یافته‌اند.

کاربرد روش تاریخی‌نگری بیانگر این است که در مطالعه گنبد سلطانیه به عنوان مقبره‌ای شاهانه، سنت‌گرایی با تعمیم مفاهیم دینی بر مجموعه‌ی معماری و عدم توجه به مباحث مربوط به مشروعیت و اقتدار خوانین در سطح جهان اسلام و بی‌توجهی به داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی متعدد، موجب خوانشی ناقص از معانی مجموعه گنبد سلطانیه شده است. طبق مطالعه تاریخی‌نگری صورت گرفته در این پژوهش در مجموعه سلطانیه همه ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در زمان سلطان اولجایتو هم‌نشین شده و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند. می‌توان گفت سلطانیه تمامی عناصر نشانه‌ای و مصادیق قدرت‌ساز اعم از قدرت سیاسی (کاخ و ارگ سلطنتی)، مذهبی (مدارس شیعی و خانقاه) و اقتصادی (بازار بزرگ و راه‌های تجاری منتهی به ارگ) را دارا می‌باشد. طبق مبانی تاریخی‌نگری گنبد سلطانیه از طریق بسط روابط بینامتنی با سایر مجموعه‌های معماری هم‌زمان، از



جمله ارگ علیشاه تبریز، به نوعی نشانگی در مفاهیم قدرت ساز رسیده و مباحث مربوط به منظرسازی در ارگ سلطانیه طی آخرین سطح مشروع سازی قدرت خوانین ایلخانی شایسته توجه بیشتری می باشد، که بیشتر پژوهشگران آن را نادیده گرفته اند.

منابع

- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۸۳). *تحریر تاریخ و صاف*. ج ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد. (۱۳۵۹). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱. چ ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشیولر، یرتولد. (۱۳۹۷). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میر آفتاب. چ ۱۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبریان، وحیده. (۱۳۹۳). *نمادشناسی در نقوش و تزئینات بنای گنبد سلطانیه*. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه هنر تهران.
- ایروین، روبرت. (۱۳۸۹). *هنر اسلامی*. ترجمه رویا آزادفر. چ ۱. تهران: سوره مهر.
- بیانی، شیرین. (۱۳۹۷). *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*. چ ۱۳. تهران: سمت.
- بیتام، دیوید. (۱۳۹۰). *مشروع سازی قدرت*. ترجمه محمد عابدی اردکانی. چ ۲. یزد: مرکز انتشارات دانشگاه یزد.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۹۱). *نظریه های جامعه شناسی*. چ ۱۸. تهران: سمت.
- ثبوتی، هوشنگ. (۱۳۶۹). *بررسی آثار تاریخی سلطانیه*. چ ۱. زنجان: چاپ ستاره.
- جوینی، علاءالدین عطاملک. (۱۳۷۰). *تاریخ جهان گشا*. به اهتمام عبدالوهاب قزوینی. ج ۳. تهران: انتشارات ارغوان.
- حافظ ابرو. (۱۳۵۰). *ذیل جامع التواریخ*. به اهتمام خان بابا بیانی. چ ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
- حمزه لو، منوچهر. (۱۳۸۱). *هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه*. چ ۱. تهران: ماکان.
- خیری، سیروس؛ صدرایی، علی. (۱۳۸۱). *ارگ علیشاه اثری ماندگار*. چ ۱. تبریز: انتشارات مهد آزادی.
- دووینیو، ژان. (۱۳۹۹). *جامعه شناسی هنر*. ترجمه مهدی سبحانی. چاپ ۱۰. تهران: نشر مرکز.
- راوودراد، اعظم. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی اثر هنری*. پژوهشنامه فرهنگستان هنر. ۲ (۲): ۹۱-۶۶.
- رضوی، سید ابوالفضل. (۱۳۹۰). *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*. چ ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلمانی، علی؛ چتر بحر، حمیدرضا. (۱۳۹۵). «روش شناسی تطبیقی مطالعه هنر اسلامی (با تأکید بر نمونه محراب)»، پژوهش های باستان شناسی. ۶ (۱۱): ۱۷۷-۱۹۰.
- سیاه کوهیان، هاتف. (۱۳۹۱). «تأثیر عرفان اسلامی بر معماری ایرانی با تأکید بر تزئینات گنبد سلطانیه». نشریه عرفان اسلامی (ادیان و عرفان). ۹ (۳۴): ۴۷-۶۴.
- شکفته، عاطفه؛ صالحی کاخکی، احمد. (۱۳۹۳). «شیوه های اجرایی و سیر تحولات تزئینات گچی معماری ایران در قرون هفتم تا نهم هجری». فصلنامه علمی - پژوهشی نگره، ۹ (۳۰): ۸۲-۶۲.
- شووان، فریدهوف. (۱۳۷۶). *هنر و معنویت*. ترجمه سید حسین نصر. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۵). *تاریخ ادبیات ایران*. ج ۳. چ ۱. تلخیص از محمد ترابی. تهران: فردوس.
- فیضی، فرزاد؛ شهبازی شیران، حبیب؛ حاجی زاده، کریم. (۱۳۹۹). «فرآیند معناپردازی در ارگ علیشاه تبریز با تحلیلی بر داده های تاریخی». تاریخ و تمدن اسلامی. ۱۶ (۳۳): ۹۳-۱۲۷.



- فیضی، فرزاد؛ شهبازی شیران، حبیب؛ حاجی زاده، کریم. (۱۴۰۱). «برهم کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی». تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۱۳ (۳۰): ۱۴۰-۱۱۵.
- کاشانی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). تاریخ اولجایتو. به اهتمام مهین همبلی. چ ۲. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمیان، حسن؛ مهدی‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۶). شهرهای ایران عصر ایلخانی تحلیلی بر نقش وقف در توسعه شهرهای دوران ایلخانی. چ ۱. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۹). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. چ ۱۲. تهران: انتشارات سمت.
- گدار، آندره. (۱۳۸۷). آرامگاه اولجایتو در سلطانیه. در سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. چ ۳. چ ۱. تهران: علمی فرهنگی.
- لین، جورج. (۱۳۹۰). ایران در اوایل عهد ایلخانان؛ رنسانس ایرانی. ترجمه سید ابوالفضل رضوی. چ ۱. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر. (۱۳۳۶). نزه‌القلوب. به کوشش محمد دبیر سیاقی. چ ۱. تهران: طهوری.
- موسوی، سیدرضی. (۱۳۹۶). درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی. چ ۲. قم: مدرسه اسلامی هنر.
- موسوی گیلانی، سیدرضی. (۱۳۹۵). درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی. چ ۲. قم: نشر ادیان.
- مهریار، محمد؛ کبیری، احمد؛ توحیدی، فائق. (۱۳۶۴). «بررسی و پیگردی مقدماتی: برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه». فصل‌نامه اثر. ۵ (۱۲): ۲۰۹-۲۶۴.
- میرخواند، میرمحمد سید برهان‌الدین. (۱۳۸۰). روضه‌الصفاء. ترجمه جمشید کیا فر. چ ۵. چ ۱. تهران: اساطیر.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۳). اسلام و تنگناهای انسان متجدد. ترجمه انشالله رحمتی. چ ۱. تهران: دفتر نشر سهروردی.
- نوریخس، مسعود. (۱۳۶۴). مسافران تاریخ. چ ۱. تهران: جبران.
- وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله. (۱۳۳۸). تاریخ و وصاف‌الحضره. به اهتمام محمدمهدی اصفهانی. چ ۱. تهران: کتابخانه ابن‌سینا و کتابخانه جعفری تبریز.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار. چ ۲. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاورز، آرنولد. (۱۳۸۲). فلسفه تاریخ هنر. ترجمه محمدتقی فرامرزی. چ ۲. تهران: نگاه.
- هیلن‌براند، روبرت. (۱۳۹۱). معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. چ ۶. تهران: انتشارات روزنه.
- Alexander, Victoria, (2003). *Sociology of the Arts: Exploring Fine and Popular Forms*, Melbourne & Berlin, Blackwell Publishers.
- Chardin, J, (1686). *The Travels of Sir John Chardin Into Persia and the East-Indies: The First Volume, Containing the Author's Voyage From Paris to Ispahan: To Which is Added, The Coronation of This Present King of Persia, Solyman the Third*. London: Printed for Moses Pitt.
- Hatf Naiemi, Atri, (2020). *The Ilkhanid City of Sultaniyya: Some Remarks on the Citadel and the Outer City*. *Journal of the British Institute of Persian Studies*, 60 (1), 1 – 31.
- Hauser, Arnold, (1982). *The Sociology of Art*, London: Roulledge & Kegan Paul.
- Scheler, M, (1980). *Problems of a sociology of Knowledge*, London: Roulledge & Kegan Paul.
- Tavakol, M, (1987). *Sociology of Knowledge: Theoretical Problems*, India: Sterling publishers.



A Study of the Main Pillars of Power (Political, Economic, and Religious) Instances in Architectural Collection during Ilkhanid Era (Case Study: Dome of Soltanieh)

Abstract

Different methods regarding Islamic art and architecture focus on some specific components to study the artwork and data remaining from the past, and thus, their results are divergent and sometimes contradictory due to their diverse approaches and theoretical basis. Traditionalism, historicism, phenomenology, and hermeneutics are among these approaches. This study aims to identify the discorsal relation between architectural collections of the Ilkhanid era, focusing on the Dome and Citadel of Soltanieh and the main pillars of power. Historicism and sociology of art were used as our methodological approaches. The research method was analytical-descriptive, and the research was a qualitative and historical study. The data were collected through library research and field studies. The results indicated a linkage between the main pillars of power (political, economic, and religious) in the major religious and royal buildings of the Ilkhanid era. Organizing structures such as congregational mosques and Khanqah, government Divan, bazaars, and commercial roads in an architectural collection reflects the empowering and legitimizing pillars in the architecture and urban development of the late Ilkhanid era.

Keywords: Ilkhanid architecture, main pillars of power, Dome of Soltanieh, historicism.

